

مصاحبه با آقای مهندس ابوالفضل حکیمی
همکار منتخب هیئت اعزامی امام خمینی
به تأسیسات نفت جنوب جهت تأمین مصرف داخلی

بناام خدا

آقای مهندس حکیمی همچنان که اطلاع دارید اسناد مربوط به مأموریت هیئت اعزامی امام خمینی به تأسیسات نفت جنوب در دست جمع آوری است. از آنجاکه جنابعالی نیز در انجام اجرای این امر مهم مردمی سهیم بوده‌اید تقاضا دارم موقع و نقش خودتان را روشن بفرمائید و چگونگی مشارکتتان را توضیح دهید.

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا گوشه‌ای از شرح اقدامات هیئت اعزامی امام خمینی به تأسیسات نفت جنوب جهت تأمین مصرف داخلی را شرح می‌دهم و بعد نقشی را که به اینجانب جهت کمک به هیئت در واحد پخش مواد نفتی محول شده بود عرض می‌کنم.

برای روشن شدن کارهایی که در این زمینه انجام گرفته است شاید بهتر باشد از چگونگی تشکیل این هیئت شروع نمایم. اعتصابات کارکنان تأسیسات بالا گرفته بود و چیزی که رژیم تصور می‌کرد این بود که قطع مواد نفتی و وجود زمستان و سرما، مردم را از ادامه اعتصاب باز دارد ولی نه تنها چنین نشد بلکه موجب تشدید اعتصابات شد. کارگران مؤمن و معتقد و متعهد صنعت نفت از آبادان، مسجد سلیمان و پالایشگاه‌های تهران و غیره که کار را تعطیل کرده بودند اغلب به منزل حضرت آیت‌الله طالقانی مراجعه می‌کردند. در آنجا با تعدادی از آنها آشنا شدیم و به وسایلی درمورد خصوصیات آنها تحقیق می‌نمودیم و بعد نقش‌هایی به آنها محول می‌شد. کم‌کم اعتصابات همه‌گیر می‌شد و به تدریج آثار فلج شدن صنعت نفت آشکار می‌گردید.

رژیم که ابتدا شاید بی‌علاقه نبود که پالایشگاهها متوقف شوند و تولید داخلی به صفر برسد کم‌کم دید خارک و لاوان که بزرگترین مراکز صادرات نفتی کشور بودند و روزانه تا حدود شش میلیون بشکه نفت صادر می‌نمودند نیز برخلاف انتظارش متوقف گردیدند و کارگران حاضر نشدند به نفتکش‌ها نفت تحویل دهند.

رژیم سخت‌ترین فشارها را روی کارگران استخراج و تولید و بارگیری وارد می‌کرد و تهدید کرده بود که اگر کار نکنند خانه‌های سازمانی‌شان را خواهد گرفت و اثاثیه‌شان را توی خیابان خواهد ریخت.

وضع کارگران هم طوری بود که اگر یک ماه حقوق نمی‌گرفتند نمی‌توانستند ادامه زندگی بدهند. امام در اعلامیه‌هاشان به مردم تکلیف کرده بودند که مخصوصاً به کارگران مناطق نفتی کمک بکنند این بود که برای همه ما وظیفه بود که کمک برسانیم افراد خیر زیادی به منزل آقای طالقانی مراجعه می‌نمودند و پول می‌دادند. اقلام یکصد هزار تومان و دویست هزار تومان هم پرداخت می‌شد. آقا سعی می‌کردند خودشان هیچگونه دخالتی در دریافتها و پرداختها نداشته باشند. اکثراً دریافتها و هزینه‌ها بوسیله آقای علی بابائی و گاهی بوسیله اینجانب صورت می‌گرفت و بلافاصله همان روز به آبادان، مسجد سلیمان و اهواز ارسال می‌شد. البته از طریق دیگر هم که بعدها بیشتر شکل گرفت پول ارسال می‌شد. می‌دانم که مرحوم آقای بهشتی نیز یکی از افرادی بودند که به مناطق نفتی پول می‌رساندند. البته با فاصله زمانی که حداقل دو سه هفته بعد از ملاقات آقای طالقانی بود این کار شد. در هر صورت استمرار این عمل، کارگران را مطمئن ساخت و رژیم نتوانست آنها را به زانو درآورد.

منزل آقای طالقانی به تدریج مرکزیت عمده پیدا کرد. بعداً که من مسئولیت پخش مواد نفتی را پیدا نمودم و کمتر منزل ایشان می‌آمدم منزل ایشان دفتر و دستک منظمی پیدا کرده بود و آقای بدیع‌زادگان بیشتر از دیگران آنجا بودند. چون آقای علی بابائی هم ظاهراً قهر کرده بودند و منزل ایشان نمی‌رفتند و یا لاقلاً به کارها دخالت نمی‌کردند و اما برگردیم جلوتر، روزهایی که اعتصابات مناطق نفتی به اوج خود رسیده بود و رژیم متوجه شد صادرات مواد نفتی متوقف گردیده است، در حقیقت مرگ رژیم از همین لحظه شروع شد. عده‌ای از مهندسین و متخصصین شرکت نفت به منزل آقای طالقانی مراجعه می‌نمودند و گزارشات مختلف به ایشان می‌رسید. کارگران پالایشگاهها و مناطق نفتی که زیاد ... آن روزها بحث بر سر این بود که رژیم تمام ذخیره‌های نفتی را فقط به ارتش تحویل می‌دهد تا مردم را در مضیقه قرار دهد. برای این موضوع بود که آقای طالقانی سرهنگ امیر رحیمی را مأمور مذاکره با انتظام رئیس وقت شرکت نفت نمودند. یکی دوبار با انتظام ملاقات کرده بود و اطمینان‌هایی برای آقای طالقانی آورده بود. اما با چند روز فاصله زمانی امام حکمی دائر به انتخاب آقای مهندس بازرگان، مهندس کتیرائی، حجت‌الاسلام علی اکبرهاشمی‌رفسنجانی برای راه‌اندازی صنعت نفت به میزان مصرف داخلی صادر کردند. هیئت می‌بایست دو نفر دیگر را خود انتخاب می‌کرد که آقایان مهندس صباغیان و مهندس حسینی به جمع سه نفر اضافه شدند.

هیئت شروع به کار را با مذاکره با انتظام آغاز نمود. متأسفانه پس از اولین ملاقات آقای مهندس بازرگان با انتظام، برخورد شدیدی بین آقای مهندس بازرگان و سرهنگ رحیمی رخ داد که با بینش وسیع حضرت آیت‌الله طالقانی سریعاً خاتمه یافت. آقای طالقانی صراحتاً اعلام داشتند از این لحظه‌ای که امام در مورد کارهای نفت هیئتی را تعیین نموده‌اند من در این مورد هیچگونه دخالتی نمی‌کنم و خودم و تمام افرادی که به من در این خصوص مراجعه می‌کنند در اختیار هیئت منتخب امام هستیم. به این ترتیب غائله ختم شد و قرار شد دیگر سرهنگ رحیمی به انتظام مراجعه نکند حتی وقت ملاقاتی که گرفته شده بود تلفنی لغو گردید.

به هر صورت انتظام به آقای مهندس بازرگان نیز گفته بود که ارتش به هیچ‌وجه مواد نفتی را ذخیره نکرده است بعدها که اینجانب به امور پخش و ذخیره مواد نفتی وارد شدم معلوم شد که حرف

انتظام درست بوده است چرا که اصولاً آرتش منبع ذخیره مواد نفتی ندارد که بتواند ذخیره بکند بلکه ذخیره آرتش می‌بایست در منبع‌های شرکت نفت در انبار نفت ذخیره بماند که آنهم اداره‌ش بدست ما افتاده بود و بعدها سهمی هم برای آرتش تعیین کرده بودیم که طبق آن تحویل می‌دادیم.

پس از اینکه هیئت کارهای مقدماتی را در تهران تمام کرد برای راه‌اندازی تأسیسات نفت جنوب به آنجا عزیمت کرد، گزارشات روزانه هیئت از طریق دفتر ما به اطلاع مردم می‌رسید. روزانه چندین بار از جنوب (اهواز، آبادان، مسجدسلیمان) با تهران تماس گرفته می‌شد و گزارش اقدامات را می‌دادند. ما این گزارشات را همراه با اخبار مهم دیگر تنظیم می‌کردیم و بصورت نشریه‌ای درآورده و همانجا با زیراکس تکثیر می‌کردیم که در سطح نسبتاً وسیعی در اختیار مردم قرار می‌گرفت، علاوه‌بر من و برادرم ابراهیم حکیمی، آقایان دکتر فریدون سبحانی، مهندس عرب‌زاده، مهندس توسلی و چند نفر دیگر از برادران روی اخذ گزارشات از جنوب و تهیه و تنظیم نشریه کار می‌کردند و من بیشتر در اداره پخش شرکت نفت در خیابان ثریا (سمیه فعلی) بودم و تنظیم و تقسیم مواد نفتی و تعیین سهم شهرستانها و نحوه توزیع فرآورده‌های نفتی در سطح تهران را زیر نظر داشتم. کارهای عمده‌ای که در اداره پخش شرکت نفت بوسیله اینجانب انجام گرفت به دو دسته تقسیم می‌شد:

- الف) توزیع مواد نفتی - شامل توزیع تهران و توزیع سهم شهرستانها.
- ب) مسائل کارگری - شامل بخصوص مسائل کارگران و تکنسین‌های خط لوله، مسائل کارگران پالایشگاه تهران و ارتباط با پالایشگاه‌های شهرستانها.

الف) توزیع:

۱- توزیع تهران شامل پمپ‌بنزین‌ها، نفت‌فروشیها، گازوئیل مصرفی منازل و نقش مردم در هریک از این ارگانها.

مهمترین مسئله، مسئله تأمین نفت سفید مصرفی منازل بود. طبق آمار موجود در دوائر پخش شرکت نفت، در ماههای آذر و دی و بهمن سال ۵۶، متوسط مصرف روزانه نفت سفید در تهران بین ۹ تا ۱۰/۵ میلیون لیتر بوده است ولی در آذرماه سال ۵۷ بطور متوسط روزانه بین ۵ تا ۵/۵ میلیون لیتر در تهران توزیع شده بود و ذخائر به شدت سقوط نموده بود بطوری‌که در دی‌ماه روزانه بطور متوسط بیش از دو میلیون لیتر توزیع نشد.

در هشتم دی‌ماه ۱۳۵۷ حکم امام دائر به تعیین هیئت برای راه‌اندازی صنایع نفت جهت مصرف داخلی صادر می‌شود و هیئت مشغول اقدام می‌گردد.

بیان این نکته ضروریست که چند سالی بود رژیم مقداری نفت سفید برای تأمین کسری مصرف زمستان کشور وارد می‌نمود البته کسی از این جریان خبر نداشت جز خود شرکت نفت که فکر می‌کنم از سال ۱۳۵۴ اقدام به این عمل نموده بودند و امید داشتند با راه افتادن پالایشگاه اصفهان از واردات نفت سفید بی‌نیاز شوند.

همانطورکه قبلاً اشاره کردم هیئت پس از چندین جلسه مذاکره با انتظام رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت نفت، تلفنی هر روز در جریان کار قرار می‌گرفتیم و مسائل مهم و گزارشات را

بصورت نشریه منتشر می‌کردیم.

از آذرماه صف‌های طولی جلو پمپ‌بنزین‌ها برای دریافت بنزین تشکیل می‌شد و پس از مدتی که هیئت از جنوب برگشتند و روزی که برنامه داشتیم به پالایشگاه تهران برویم آقای مهندس کتیرائی در بین راه سؤال کردند که: حالا که کار راه افتاده است چرا پمپ‌بنزین‌ها هنوز اینقدر شلوغ است؟ من برای ایشان و سایر اعضاء هیئت، مکانیسم توزیع مواد نفتی را توضیح دادم و بیان کردم که چه مدت زمان و وقت لازم است تا این صف‌ها شکسته شود. اقداماتی که بلافاصله پس از مستقر شدن در اداره پخش شرکت نفت انجام دادیم اینکه کمیته‌های توزیع محلات را بوجود آوردیم و از امامان جماعت کلیه مساجد دعوت بعمل آمد که افراد معتمد محل و جوانهای فعال خود را به ما معرفی کنند. در جلسه‌ای تمام این افراد در سالن سخنرانی جمع شدند در بین جمع یکی دو نفر از روحانیون مساجد شخصاً آمده بودند. بنده مطالبی را برای شرکت‌کنندگان بیان نمودم. از همان لحظه هسته‌های نفت‌رسانی، در محلات بوجود آمد. ایثار و فداکاری در حد غیرباور دیده می‌شد بطوری‌که پس از دو هفته در تمام محلات این کمیته‌ها تشکیل گردید و هر محله‌ای با سلیقه خودش توزیع نفت را کنترل می‌نمود یکی لیست تهیه می‌نمود، در محله‌ای کارت توزیع نوبتی تهیه شده بود و در جای دیگر با ثبت در دفتر این کار را کنترل می‌کردند. تمام تلاش من این بود که به تناسب نیاز محله نفت به نفت فروشی‌ها تحویل گردد. اشکالات نفت‌رسانی زیاد بود مخصوصاً قطع برق اشکالات زیادی در کل توزیع بوجود می‌آورد. زیرا با قطع شدن برق که اغلب برای مبارزه با رژیم انجام می‌گرفت سیستم پمپ‌های توزیع نفت به نفتکش‌ها درانبار نفت از کار می‌افتاد و در نتیجه در هر شبانه روز چندین ساعت کار متوقف می‌شد و باعث تأخیر در رساندن نفت سفید به عاملین فروش و بنزین به پمپ‌بنزین و نفت گاز منازل می‌شد ولی برای جبران این تأخیرها تلاش می‌شد و با اضافه کار کردن کارگران در مدتی که هیئت مشغول کار شده بود تا حدی جبران گردید.

تعیین سهمیه نفت سفید برای مرغداری‌ها و گاوداری‌ها

برای کنترل و رساندن نفت بخصوص به مرغداری‌ها، که عدم وجود نفت باعث پائین آمدن درجه حرارت سالن‌های مرغداری می‌شود و مرغها می‌میرند، از آقای اکبر عرب‌زاده که آشنایی کامل به تمام مرغداری‌ها داشتند کمک گرفته شد و تمام سهمیه نفت مرغداری‌ها با تعیین میزان از طرف ایشان تحویل می‌شد و همین روش را برای گاوداری‌ها نیز استفاده نمودیم که مسئولیتش به عهده آقای ایرج سبحانی گذارده شده بود و بدین ترتیب مرغداری‌ها و گاوداری‌ها از تلفات سرما نجات پیدا کردند. برای شهرستانها نیز طبق برنامه‌ای که اداره امور شهرستانها عهده‌دار آن بود مواد سوختی حمل می‌گردید که روزانه گزارش آن دیده می‌شد و برحسب میزان ذخائر برنامه شهرستانها تنظیم گردید.

توزیع نفت گاز منازل

مشکل بزرگی که عاملین توزیع نفت گاز برای مشتری‌هایشان بوجود آورده بودند این بود که به تلفن‌ها جواب نمی‌دادند "مثل شرکت‌های توزیع گاز فعلی" این مشکل هم توسط دانشجویان برطرف

گردید. از تعدادی دانشجو دعوت بعمل آمد و هر دو نفر را مسئول یکی از عاملین فروش نمودیم تا به تلفن‌های مشتریها جواب بدهند و مطابق دستور آنها نفت گاز به منازل توزیع می‌شد و اگر عاملین تخلف می‌کردند سهمیه‌شان قطع می‌گردید و بدین ترتیب کار توزیع نفت گاز سروسامان گرفت و تا حدودی مردم راضی شدند.

پمپ‌های بنزین

برای کنترل پمپ‌های بنزین و نظارت بر توزیع بنزین افرادی را در پمپ‌های بنزین مستقر نمودیم که تمام توزیع را در پمپ‌بنزینها زیرنظر داشته باشند. این نظار با بازبینی که بدست بسته بودند مشخص شده بودند و از صبح تا ساعت ۹ تا ۱۰ شب در محل پمپ‌های بنزین مستقر بودند و کار توزیع پس از یک هفته به حال عادی برگشت بطوری‌که هر اتومبیل پس از ده دقیقه تا یک ربع می‌توانست بنزین بگیرد.

این جریان تنظیم و تقسیم مواد نفتی و تعیین سهم شهرستانها و نحوه توزیع فرآورده‌های نفتی در سطح تهران و به کمک مردم ادامه داشت تا روز ۲۲ بهمن که رژیم واژگون شد و همه چیز در اختیار مردم قرار گرفت.

ب (مسائل کارگری:

مهمترین مسئله‌ای که جلوی ما قرار داشت برخورد با کارگران مختلف شرکت نفت بود، چه کارگران پالایشگاه آبادان و چه کارگران پالایشگاههای تهران و تبریز و چه کارگران استخراج در مسجدسلیمان و اهواز و غیره. هر روز افراد مختلفی به منزل حضرت آیت‌الله طالقانی مراجعه می‌کردند و خود را نمایندگان کارگران معرفی می‌نمودند. ما سعی می‌کردیم ضمن جلب رضایت آنها و برخورد دوستانه، میزان نفوذ و محبوبیت آنها را کسب کنیم و نیز در بحث‌ها حتی المقدور اطلاعاتی بدست آوریم که آیا اینها از کارگران متعهد و مسلمان هستند و یا بینش‌های چپی دارند؟. یادم نمی‌رود، یک روز پنج نفر از کارگران پالایشگاه آبادان و تلمبه‌خانه اهواز به منزل آیت‌الله طالقانی آمدند و یکی دو روز هم وقت ما را گرفتند و بحث‌های مختلفی را مطرح کردند و ادعاهایی داشتند و حتی به هیئتی که در آن موقع هنوز در جنوب مشغول کار بود، اعتراض داشتند. بعدها که هیئت به تهران برگشت وقتی مشخصات این پنج نفر را به آنها گفتیم معلوم شد در اهواز هم خیلی مزاحم کارهای هیئت بوده‌اند و با اطلاعاتی که هیئت در محل کسب کرده بود، مشخص شد که حداقل سه نفر از آنها از توده‌ای‌های با سابقه بوده‌اند.

بیشترین مشکلات و مسائل کارگری در تهران و مربوط به واحد خط لوله انبار ری بود که متأسفانه عناصر مزاحمی در بینشان وجود داشت که اخلال‌هایی ولی نه چندان مؤثر می‌نمودند.

ولی درعوض پالایشگاه تهران درست در اختیار ما بود بخصوص در بین کارگران پالایشگاه تهران برادری مؤمن و باهوش به نام آقای امینیان وجود داشت که بسیار محبوب بود و فوق‌العاده نفوذ داشت و هر تصمیمی که هیئت می‌گرفت بدون هیچ‌گونه مقاومت عملی می‌شد. ما به تدریج و از طریق پالایشگاه تهران در پالایشگاههای آبادان و تبریز و شیراز هسته‌های شورایی و کمیته‌ای برقرار کردیم،

که این شورا مورد تأیید و تصویب کارگران پالایشگاه‌های مزبور قرار داشت و بدین ترتیب هماهنگی لازم بین پالایشگاه‌ها به وجود آمد و رژیم نتوانست کارگران پالایشگاه‌ها را تحت فشار قرار دهد. کمیته پالایشگاه تهران چندین مسافرت به تبریز و شیراز و آبادان نمود که جلسات مشترکی با آنها داشتند و ما کم و بیش در جریان کارهایشان قرار داشتیم و ما از این طریق و به کمک کارگران پالایشگاه تهران و بخصوص شورای آنها توانستیم اخلاص‌های در حال تکوین در خطوط لوله را برطرف کنیم، آنها را نیز منضبط گردانیم. این بود مختصر و فشرده‌ای از آنچه در این چند ماه گذشت.